

“ امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید ”

اخبار عالم بهائی

آوریل 2010 شماره 8

شهرالیهه 167 بیع

رشت جناب عمیدالاطباء آ میرزا یحیی خان علیه بهاءالله

هوالله

ای بنده ثابت حق هر چند از غمام بالا باران جفا پی در پی رسید، بساط محنت گسترده گشت، بزم امتحان آراسته شد، جام افتتان دور زد و یاران سرمست آن باده گشتند و معرض شداند و آلام گردیدند، ولی این عبد در هر بلائی شریک و سهیم بود و در زاویه مصائب و رزایا مقیم. محزون مباشید، مغموم مگردید. هر چه پیش آید، البته آن باید و شاید، یعنی از لوازم ثبوت بر محبت الله است و از فرائض مقدره بر احباء الله. ایام در گذر است و حوادث لیل و نهار ممتد و مستمر؛ کائنات کل هدف تیر قضا و مورد انواع جفا، زیرا عالم امکان معرض تغییر و انقلاب است و لابد از حدوث مشقت و عذاب. فرق در اینجاست که کل در سبیل هوی معرض بلایند و یاران در راه هدی مورد تیر جفا. آن بی ثمر است و این نتایجش مانند در و گهر. پس شکر کن خدا را که در سبیل هدی مورد جفا گشتی و از فضل بی منتهی امید اهل وفا چنان است که این بلا سبب عطا شود و این محنت وسیله منحت کبری و موهبت عظمی شود. و علیک التّحیة و الثّناء. ع ع

پیام منبع بیت العدل اعظم الهی مورخ رضوان 167 بدیع مملو از بشارات و بیان حقائق روحانی مسرت انگیزی است که زیارت آن در ایام فرخنده عید اعظم رضوان مزید سرور و بهجت یاران عزیز الهی است لذا ذیلا قسمتهائی از آن نقل میگردد.

یاران عزیز محبوب

با قلبی مشحون از تحسین آحاد مؤمنین به حضرت بهاءالله، در کمال مسرت اعلام می‌کنیم که، با آغاز این رضوان بسیار سرورآمیز، در کلیه قارات عالم متقم جدیدی از برنامه فشرده رشد در جریان است که کل تعداد این برنامه‌ها را در سراسر جهان به رقم 1500 بالغ می‌سازد و هدف نقشه پنج‌ساله را، یک سال قبل از رسیدن به پایان آن، تحقق می‌بخشد...

در روابط میان احباء، این تحوّل در فرهنگ، در کیفیت تعاملات آنها تجلی می‌یابد. یادگیری به عنوان شیوه عملی، مستلزم آن است که همه موضع خضوع و خشوع اتخاذ نمایند؛ حالتی که هر شخصی در آن خویشتن را فراموش می‌کند، اعتماد کامل به خداوند یافته به او توکل می‌نماید، به قوه نیروبخش او متکی شده به تأییدات لاریبیه‌اش اطمینان می‌یابد، و واقف است که او، و فقط او، است که می‌تواند "قطره را دریا کند و پشته را عنقا نماید"¹ در چنین حالتی، نفوس، با هم، بدون ادنی توقفی، فعالیت می‌کنند، و نه به دستاوردهای خویش بلکه از پیشرفت و خدمات دیگران مسرور و مجبور می‌شوند. افکارشان در جمیع احوال حول کمک به یکدیگر متمرکز است، به اعلی مدارج خدمت به امر الهی رسیده به سموات معرفت او طیران می‌نماید. این آن چیزی است که ما در الگوی فعلی فعالیت، که در سراسر عالم در حال رخ

¹ منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالیهه، ج 1، ص 100 (شماره 67)

گشودن است مشاهده می‌کنیم، و پیر و برنا، احتیای قدیم و جدید، که در کنار هم به فعالیت مشغولند، به ترویج آن می‌پردازند...

آیا محبت الهی نیست که جمیع حجابات بیگانگی و اختلاف را محترق نماید و قلوب را در کمال اتحاد به یکدیگر پیوند دهد؟ آیا محبت حضرتش نیست که شما در میدان خدمت به پیش می‌راند و شما را قادر می‌سازد که در هر نفسی قابلیت عرفان حضرتش و عبادت او را مشاهده نمایید؟ آیا معرفت به این موضوع که مظهر ظهورش در کمال سرور یک عمر آلام و اوجاع را لأجل محبت عالم انسانی تحمّل فرمود، شما را به هیجان نمی‌آورد و بر نمی‌انگیزد؟ در میان همتایان خود، به برادران و خواهران عزیزتان در ایران نگاه کنید. آیا آنها مظهر استقامت منبعث از محبت‌الله و شوق به خدمت حضرتش نیستند؟ آیا توانایی و استعداد آنها در فراتر از ظالمانه‌ترین و تلخ‌ترین تزییقات قرار گرفتن نشانه آن نیست که میلیون‌ها میلیون نفوس مظلوم عالم دارای توانایی و استعداد قیام کردن و به عهده گرفتن نقشی مؤثر در ایجاد ملکوت الهی بر وجه ارض هستند؟ بی آن که ادنی اعتنایی به ساخت‌های تفرقه‌انگیز اجتماعی داشته باشید...

اطلاعات تازه از جلسه دادگاه مدیران جامعه بهائیان ایران

خبرتشکیل سومین جلسه دادگاه هفت نفس نفیسی که قبلاً به عنوان " یاران " ایران مسئولیت رهبری اداری جامعه بهائی را در ایران بعهدہ داشتند انعکاس گسترده ای در رسانه های گروهی و سایتهای اینترنتی جهان بخصوص فارسی زبان داشت . سایت کمیته گزارشگران حقوق بشر تحت عنوان " اطلاعات تازه از جلسه دادگاه مدیران جامعه بهائیان ایران " وسایت رادیو زمانه تحت عنوان " اعتراض هفت بهائی به نحوه اداره دادگاه خود " وسایت اینترنتی بی بی سی تحت عنوان " سومین جلسه محاکمه هفت بهائی برگزار شد " وهمچنین سایت رادیو فردا تحت عنوان " سومین جلسه محاکمه رهبران جامعه بهائی ایران روز شنبه برگزار می شود " به درج گزارشهای مفصلی در اینباره پرداختند . تمام این گزارشات به همراه انتشار عکس دسته جمعی زیبایی از آنان بود که چندین ماه قبل از دستگیری یعنی در بهار 1387 برداشته شده است ، عکسی که فی الواقع هر دیده منصف و وجدان بیداری بصدق تعبیر و توصیف بیت العدل اعظم الهی در پیام مورخ 19 می 2008 درباره شخصیت متعالی و بارز آن جمع نورانی که بلافاصله پس از اعلام خبر بازداشت آنان به عالم بهائی مخابره شده است شاهد و گواه است :

" ... جمعی از باوفاترین ، مطیع ترین ، باکفایت ترین وبی گناه ترین ... "

درسایت سرویس خبری جامعه جهانی بهائی در تاریخ 24 فروردین 1389 در اینباره آمده است

جامعه جهانی بهائی اطلاع یافته است که در هنگام ورود زندانیان به جلسه دادگاه از ورود خانواده های آنها به محل جلوگیری شد که معنای آن غیر علنی بودن جلسه بود.

با این حال در جلسه دادگاه زندانیان با جمعی از مقامات، بازجویان وزارت اطلاعات و یک گروه فیلمبرداری با تجهیزات



آماده برای فیلمبرداری مواجه شدند.

در اعتراض به حضور مقامات و افراد غیرقضائی در جلسه به ظاهر غیر علنی دادگاه، بهائیان زندانی- در توافق با وکلای خود- از مشارکت در روند دادگاه خودداری کردند.

در این مرحله قاضی بدون تعیین تاریخی برای نشست بعدی دادگاه به این جلسه پایان داد.

دیان علانی، نماینده جامعه جهانی بهائی در مقر سازمان ملل در ژنو، گفت: «جمهوری اسلامی ایران باید بلافاصله این هفت زندانی بیگناه را آزاد کند.»

او افزود: «اقتضای عدالت به جز این نیست. این افراد اکنون در آستانه سومین سال زندان بر مبنای اتهاماتی به کلی واهی هستند که همه را مطلقاً رد کرده اند و حکومت ایران هم هیچ مستندی برای این اتهام ها ندارد.»

«حداقل این است که آنها را به قید ضمانت آزاد کنند و دولت گام های لازم برای برگزاری عادلانه محاکمه آنها بر اساس ضوابط حقوقی بین المللی را بردارد.»

خانم علانی اضافه کرد: «حتی اگر قرار است بازداشت آنها ادامه پیدا کند باید شرایط بسیار دشوار زندان آنها تعدیل شود.»

جلسه دیروز سومین نشست دادگاه هفت بهائی زندانی است که در میان اتهامات دیگر به جاسوسی، تبلیغ علیه نظام اسلامی و "افساد فی الارض" متهم شده اند. نخستین جلسه دادگاه آنها در ۲۲ دی ۱۳۸۸ برگزار شد.

این هفت نفر عبارتند از خانم فریبا کمال آبادی، آقای جمال الدین خانجانی، آقای عقیف نعیمی، آقای سعید رضائی، خانم مهوش ثابت، آقای بهروز توکلی و آقای وحید تیزفهم. خانم ثابت در ۱۴ اسفند ۱۳۸۶ و دیگران در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۷ دستگیر شده اند. سرویس خبری جامعه جهانی بهائی 24 فروردین 1388

برگزاری دادگاه آرتین غضنفری، شهروند بهایی/ وخامت وضعیت جسمانی و ابتلای وی به عفونت ریه

کمیته گزارشگران حقوق بشر 27 فروردین 1389 - دادگاه آرتین غضنفری، شهروند بهایی روز چهارشنبه، ۲۵ فروردین با حضور او برگزار شد. این در حالی است که وی پس از گذشت یک هفته از آزادی اش، مجدداً روز یکشنبه ۲۲ فروردین بازداشت شده بود.

به گزارش منابع آگاه، غضنفری پس از آزادی «تحت درمان» بوده است. وی در ایام نوروز در زندان اوین بیمار شده و به دلیل «تعطیلی بهداری اوین»، موفق به ملاقات با پزشک نشده است. به گفته نزدیکان وی، این شهروند بهایی به همین دلیل دچار «عفونت ریه» شده و پزشک متخصص پس از معاینه اعلام کرد که عفونت «وارد خون او شده است.»

از حقّ میطلبیم نور انصاف و آفتاب عدل را از سحاب تیره غفلت نجات بخشد و ظاهر فرماید. هیچ نوری بنور عدل معادله نمی نماید آنست سبب نظم عالم و راحت امم .
حضرت بهالله

شعری از فریدون مشیری

چندی که در روی زمین بودی چه کردی؟	باری اگر روزی کسی از من بپرسد
گریان و خندان بر می افزایم سرم را	من می گشایم پیش رویش دفترم را
تا بشکفتد تا بردهد بسیار مانده است	آنگاه می گویم که بذری نو فشانده است
چندان که یارا داشتیم در هر ترانه	در زیر این نیلی سپهر بیکران
با این صدای خسته شاید خفته ای را	نام بلند عشق را تکرار کردم

در چارسوی این جهان بیدار کردم



دومین ملاقات حضوری نوید خانجانی و درسا سبحانی

جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی- درسایت اینترنتی خویش اعلام نمودند که در روز پنجشنبه 26 فروردین خانواده های نوید خانجانی و درسا سبحانی موفق به ملاقات با این دو زندانی شدند.

این در حالیکه طبق گزارش همین سایت خبری که در تاریخ 20 فروردین منتشر شده است عصر روز پنجشنبه 19 فروردین مسئولان زندان اوین از ملاقات خانواده درسا سبحانی با فرزندشان جلوگیری به عمل آوردند. درسا سبحانی در مدت بازداشت خود یک بار با خانواده اش ملاقات کرده است.

در طی پیگیری های خانواده های این دو دانشجوی محروم از تحصیل به دفتر رییس دادستانی و ملاقات با او، موفق به گرفتن نامه ملاقات حضوری شدند و توانستند ملاقات نیم ساعته ای با آنها داشته باشند. همچنین وضعیت جسمی و ظاهری خانجانی مناسب توصیف شده اما سبحانی از وضعیت جسمانی خوبی در این دیدار برخوردار نبوده است.

نوید خانجانی از موسسین جمعیت مبارزه با تبعیض تحصیلی و یکی از اعضای مرکزی کمیته گزارشگران حقوق بشر در تاریخ 11 اسفند سال گذشته در اصفهان بازداشت شد و با انتقال وی به زندان اوین و نگهداری وی در بند متعلق به سپاه فشارها بر وی افزایش یافت. بر اساس گزارش های رسیده وی هر روز و به طور مداوم تحت بازجویی های شدید و طولانی مدت برای پذیرفتن اتهاماتی سنگین قرار دارد.

چند روز پس از دستگیری نوید خانجانی رسانه های وابسته به حکومت در جریان خبری تحت عنوان «دستگیری اعضای شبکه های سازمان یافته جنگ سایبری» نام نوید خانجانی را در کنار دیگر اعضای مرکزی کمیته گزارشگران حقوق بشر به عنوان متهمان اصلی این پرونده ذکر کردند. همین امر نگرانی را در مورد «پرونده سازی امنیتی» علیه وی و دیگر محرومین از تحصیل بهایی بازداشت شده، افزایش داده است.

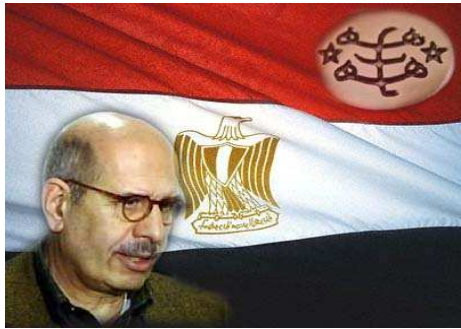
درسا سبحانی که حدود ساعت 10 صبح روز، 16 اسفند 1388 در منزلش در ساری بازداشت شده بود، قبلاً در تماس کوتاه تلفنی با خانواده اش از «اتمام بازجویی ها» خبر داده بود اما هنوز پس از گذشت بیش از 40 روز هیچ اطلاعی از اتهامات و دلیل بازداشت وی در دست نیست و وکیل وی به پرونده موکل خود دسترسی نداشته است، وضعیت نوید خانجانی نیز به همین گونه است.

فشار بر زندانیان بهایی برای اخذ اعترافات تلویزیونی

سایت کمیته گزارشگران حقوق بشر در گزارش مورخ آدینه، 20 فروردین ماه 1389 اعلام کرد: ایقان شهیدی و سما نورانی، دو شهروند محروم از تحصیل بهایی در زندان اوین تحت فشار و بازجویی های طولانی مدت برای اخذ اعترافات تلویزیونی قرار دارند. به گزارش منابع آگاه، بازجوی پرونده، با تحت فشار قرار دادن شهیدی و نورانی، «بارها» از آنان خواسته «در مقابل دوربین تلویزیون»، اتهامات منتسب به خود را بپذیرند. این در حالی است که پس از گذشت نزدیک به 40 روز از بازداشت این دو شهروند محروم از تحصیل، از اتهامات و دلیل بازداشت آنان اطلاعی در دست نیست. این دو تن، طی آخرین تماس های تلفنی شان از اتمام بازجویی از خود خبر داده اند. شهیدی و نورانی، در طول مدت بازداشت یک بار، در ایام نوروز با خانواده خود ملاقات کردند. ایقان شهیدی 21 ساله و سما نورانی 20 ساله، در 11 و 12 اسفندماه در کرمانشاه و شیراز بازداشت شده و به زندان اوین منتقل شدند.

حمایت و پشتیبانی سازمانها و فرهیختگان جهان از جامعه بهائی در رسانه ها

آقای دکتر محمد برادعی ضرورت اعتراف به دیانت بهائی را بعنوان یک دین مستقل در مصر تأکید نمود



به گزارش سایت اینترنتی <http://www.copts-united.com> دکتر محمد برادعی مدیر سابق آژانس انرژی اتمی سازمان ملل متحد و نامزد ریاست جمهوری مصر در خلال ملاقات با هیئت مؤسسه حقوق و فرهنگ و کتاب در مصر با تأکید اعلان داشته است که باید به دیانت بهائی بعنوان یکی از ادیان رسمی موجود در مصر اعتراف نمود و این هدفی است که باید در مسیر آزادی ادیان در مصر صورت پذیرد. از طرف دیگر جبهه مردمی برای حمایت مصر اینگونه افکاری را که آقای دکتر برادعی در فکر انتشار و تنفیذ آن در مصر میباشند خطری بزرگ برای وحدت و امنیت جامعه مصر تلقی نموده است ...

آنچه بر بهاییان ایران گذشت گزارشی از دکتر فریدون خاوند در معرفی یک کتاب که در سایت <http://www.radiofarda.com> بتاريخ یکشنبه پنج اردیبهشت 1389 انتشار یافته است!



"یکصد و شصت سال مبارزه با آیین بهایی" نام کتابی است به قلم فریدون و همن، که در ۷۷۸ صفحه از سوی «عصر جدید» انتشار یافته، کتابی است که مطالعه آن خواننده را در احساسی مرموز، که شاید آمیزه ای از تلخی و شرم باشد، فرو می برد.

دکتر و همن، استاد ایرانشناسی دانشگاه کپنهاگ در رشته زبان ها و ادبیات باستانی ایران، و رییس انجمن فرهنگی ایران و دانمارک، در این کتاب به «گوشه ای از تاریخ سوخته و پایمال شده ایران»، که شرح سرکوب و کشتار شمار زیادی از ایرانیان به جرم بهایی بودن آنها است، می پردازد.

موضوع کتاب، که روایت ستم پیروان یکی از مذاهب مسلط بر یکی از مذاهب اقلیتی است، قدمتی کم و بیش به اندازه تاریخ جهان دارد. معتقدان ادیانی که امروز در سراسر سیاره زمین پراکنده اند، از جمله مسیحیت و اسلام، در آغاز برای ایمان خود بهایی سخت خونین پرداختند. بعد ها در درون هر یک از این ادیان، نو آوران و بدعت گذاران با خشم و نفرت پاسداران دگم های نخستین رو به رو شدند و چه جان ها که در این هنگامه ها به تاراج رفت. کشتار پروتستان ها به دست کاتولیک های فرانسه در سال ۱۵۷۲، که در روز «سن بارتلمی» آغاز شد، رود سن را از اجساد قربانیان انباشت. شیعیان در تاریخ طولانی خود به گناه «اقلیتی بودن» از سوی سنیان آزار ها کشیدند، از جمله با این اتهام که آیین آنها را یهودیان به منظور شکاف انداختن در میان مسلمین سر هم بندی کرده اند.

در مبارزه با ستمی که بر بهاییان رفته، آیا حق و، مهم تر از آن، وظیفه آنها نیست که روایت خود را، دستکم در مقام یک شاهد، برای آگاه کردن دیگران و ثبت در تاریخ بر جای بگذارند؟ آیا بهاییان

ایران با انجام این وظیفه (که شاید آنگونه که باید و شاید به آن نپرداخته اند) به کاهش خشونت و تحکیم حقوق بشر در سرزمین شان کمک نخواهند کرد؟
 بر کتاب هفتصد و هفتاد و هشت صفحه ای فریدون و همن یک پرسش بزرگ، که برای خوانندگان غیر بهایی آن سخت آزار دهنده است، سنگینی میکند: چرا در طول این همه سال، و به ویژه از شهریور ۱۳۲۰ به این سو، جریان های گوناگون روشنفکری در ایران بر هزار و یک فاجعه در سراسر جهان گریستند، به نام مقابله با ظلم و دفاع از آزادی منظومه ها سرودند و در دفاع از آرمان های درست و نادرست قرن بیستم فریاد ها بر آوردند، اما به قربانیان بیگناه یکی از خونین ترین اشکال سرکوب های مذهبی، نیم نگاهی نینداختند؟

فریدون و همن بار ها بر «سکوت سنگین و مرگبار روشنفکران» در برابر بهایی آزاری تاکید میکند، گویی آنها نیز با سکوت خود با قشری ترین و سنگدل ترین بخش روحانیت شیعه همراه شدند. این امر، به گفته او، «زاییده عوامل اجتماعی متعددی است که جامعه بهایی ایران نیز به علل تاریخی در آن بی سهم نیست و باید روزی در زمینه جامعه شناسی دینی ایران مورد پژوهش اهل تحقیق قرار بگیرد.»

ایران بر پایه نورم های قرن حاضر به جامعه ای «عادی» بدل نخواهد شد، مگر آنکه روزی در آن آیین بهایی به پدیده ای «عادی» بدل شود. این یکی از مهم ترین ملاک ها برای سنجش درجه پیشروی جامعه ایرانی در راستای تمدن و مردمسالاری است.

چند عکس جالب از فعالیتهای جوانان بهائی در هندوستان:



تعلیم و تربیت بهائی در مدارس ایالتی استرالیا

جامعه بهائی در استرالیا تدارک برنامه تربیت بهائی را در بسیاری از دبستانهای ابتدائی تحت عنوان "تعلیم و تربیت خاص ادیان" یا برنامه "کتاب مقدس" دیده است.

شاگردان از تمام ادیان با اجازه والدینشان با حسن استقبال پذیرفته میشوند و تعداد زیادی در حال حاضر در این کلاسها مشارکت دارند.

این کلاسها بر رشد روحانی اطفال کمک شایان توجهی داشته و این رشد به همراه کسب علوم و فنون در سایر کلاسهای دیگر میباشد .
رشد روحانی و کسب اخلاقیات بهائی بر طبق تعالیم حضرت بهاءالله صورت میگیرد و به اطفال این آموزش داده میشود که شهروند حقیقده عالم انسانی بشوند و به اصل وحدت در کثرت را قلباً و روحاً پذیرا باشند.
تشویق اصل وحدت در کثرت را قلباً.

برحسب قوانین بهائی این کلاسها نمیتوانند بعنوان محیطهای تبلیغی مورد بهره برداری قرار گیرند همه معلمان این کلاسها مورد تأیید هیئتهای مسئول آموزش و پرورش و قانون حمایت کودک و تحت نظارت پلیس میباشند .

نقل از سایت <http://www.bahai.org.au>



آخرین خبرها و چند خبر کوتاه از ایران:

نجف آباد: ندادن اجازه دفن یک بهائی

برای آقای عباسقلی صمیمی که در ۱ فروردین ۱۳۸۹ (۲۱ مارس ۲۰۱۰) در نجف آباد درگذشت، جواز دفن صادر شده بود. اما مأموران پلیس در راه گورستان بهائیان در نجف آباد مانع خانواده وی شدند و از دفن جسد جلوگیری کردند. جسد آقای صمیمی به سردخانه منتقل شد و مأموران به خانواده وی اطلاع دادند که پس از تعطیلات نوروز به مسئله رسیدگی خواهند کرد. با وجود این، روز بعد خانواده او به مرکز پلیس احضار و از ایشان خواسته شد گزارش ماجرا را بنویسند و تقاضای خود را برای دفن آقای صمیمی در گورستان بهائی ارائه کنند. به آنها گفته شد که قاضی در مورد آن تصمیم خواهد گرفت.

بعداً معلوم شد که روز ۴ فروردین ۱۳۸۹ (۲۴ مارس ۲۰۱۰)، مأموران بدون اطلاع یا اجازه خانواده، جسد را به گورستان بهائی اصفهان منتقل کرده و بدون حضور خانواده دفن کرده اند. خانواده صمیمی خواستار دادرسی قانونی مسئله شده اند.

تنکابن: تهدید آقای اسماعیل زادگان به مهر و موم مغازه اش و بازرسی منزل آقای فؤاد انوری

در ۱۱ اسفند ۱۳۸۸ (۲ مارس ۲۰۱۰)، منزل آقای فؤاد انوری در تنکابن توسط مأموران وزارت اطلاعات بازرسی شد. پس از ضبط وسایل شخصی او، از جمله تلفن همراه، کامپیوتر و کتاب، به او گفته شد که در زمان مقتضی به اطلاعات احضار خواهد شد.

و همچنین در ۲۳ فروردین ۱۳۸۹ (۱۲ آوریل ۲۰۱۰)، فرد یا افرادی با پدر آقای وحید اسماعیل زادگان اهل تنکابن تماس گرفتند و تهدید کردند که مغازه او مهر و موم خواهد شد. این فرد یا افراد ادعا کرده اند مأموران اداره بازرگانی تنکابن هستند و گفته اند که بهتر است خود او مغازه را تعطیل کند. خانواده آقای اسماعیل زادگان مشغول پیگیری موضوع از اداره بازرگانی هستند تا صحت و سقم آن را دریابند.

بر اساس اطلاعات تازه آقای وحید اسماعیل زادگان در ۱۸ آذر ۱۳۸۸ (۹ دسامبر ۲۰۰۹) دستگیر شده است. قبلاً در اخبار قبل به اشتباه تاریخ بازداشت او ۳۰ آبان ۱۳۸۸ (۲۱ نوامبر ۲۰۰۹) و نام خانوادگی اش اسماعیل زاده ذکر شده بود.

بجنورد: اخراج سه دانشجوی بهائی از دانشگاه پیام نور

سه دانشجوی بهائی از دانشگاه پیام نور بجنورد (مرکز استان خراسان شمالی) اخراج شدند: خانم مونا شریفی محبتی، پس از پایان ترم چهار در رشته زمین شناسی؛ آقای شایان ثنائی، پس از پایان ترم اول در رشته فناوری اطلاعات (IT)؛ و آقای انوش شریفی محبتی، پس از اتمام ترم اول در رشته مهندسی کامپیوتر.

روز ۲۶ اسفند ۱۳۸۸ اسامی این سه نفر در وب سایت دانشگاه به عنوان اخراجی ذکر شد و در مراجعت آنها به دانشگاه در اوایل آوریل ۲۰۱۰، پس از تعطیلات نوروز، از حضورشان در کلاس ها جلوگیری و از دانشگاه اخراج شدند.

ساری: بازرسی محل سکونت آقای بهنام ارجمند

در ۸ فروردین ۱۳۸۹، منزل آقای بهنام ارجمند اهل ساری توسط مأموران وزارت اطلاعات بازرسی، کامپیوتر او ضبط و به او دستور داده شد که خود را به دفتر محلی وزارت اطلاعات معرفی کند. آقای ارجمند در زمان مقرر در اطلاعات حاضر و پس از بازجویی آزاد شد.

جلوگیری از ملاقات کوهیار گودرزی با مادرش

از سوی دیگر، مسئولان زندان اوین، عصر روز پنجشنبه ۱۹ فروردین ماه از ملاقات مادر کوهیار گودرزی، فعال حقوق بشر با فرزندش جلوگیری کردند. جلوگیری از ملاقات گودرزی با مادرش در حالی صورت می‌گیرد که پس از گذشت بیش از ۱۰۰ روز از بازداشت وی، مسئولان زندان همچنان از پذیرفتن لباس، کتاب و وسایل موردنیاز وی خودداری می‌کنند. گفتنی است گودرزی، به تازگی به بند ۳۵۰ زندان اوین منتقل شده است. در هفته‌های اخیر، سلول گودرزی «هفت بار» تغییر کرده و پروین مخترع، مادر وی این اقدام مسئولان زندان را مصداق «شکنجه» دانسته است. کوهیار گودرزی، عضو کمیته گزارشگران حقوق بشر ۲۹ آذرماه بازداشت شد و از آن تاریخ تنها سه بار با مادرش تماس تلفنی داشته است.

- آقای پیام ولی اهل کرج که در ۱۲ بهمن ۱۳۸۸ دستگیر شده بود، در ۱۹ فروردین ۱۳۸۹، پس از ارائه وثیقه ۵۰ میلیون تومانی (حدود ۵۰۰۰۰۰ دلار آمریکا) آزاد شد.
- خانم شعله طائف از سمنان که پس از بازرسی منزلش در ۲۸ آذر ۱۳۸۸ دستگیر و در ۱۶ دی ۱۳۸۸ به قید وثیقه آزاد شده بود، به یک سال حبس تعزیری و ضبط همه مطالب مربوط به تبلیغ (آنین بهائی) که در خانه اش کشف و به عنوان «جرم» محسوب شده محکوم شد. خانم طائف همچنین به مدت دو سال از زندگی در سمنان محروم شده است که در صورت تخلف ممکن است به پرداخت جریمه مالی یا زندان محکوم شود. در حکم خانم طائف عنوان شده که چون مکان مناسبی برای او در زندان سمنان وجود ندارد، به زندانی در تهران منتقل خواهد شد. خانم طائف به «شرکت در تبلیغ به نفع گروه های ضد رژیم» متهم شده است.

يك حكایت جالب و خواندنی

روزی پسر بچه ای نزد شیوانا رفت (در تاریخ مشرق زمین شیوانا کشاورزی بود که او را استاد عشق و معرفت ودانایی می دانستند) و گفت : " مادرم قصد دارد برای راضی ساختن خدای معبد و به خاطر محبتی که به کاهن معبد دارد، خواهر کوچکم را قربانی کند. لطفا خواهر بی گناهم را نجات دهید. "

شیوانا سراسیمه به سراغ زن رفت و با حیرت دید که زن دست و پای دختر خردسالش را بسته و در مقابل در معبد قصد دارد با چاقو سر دختر را ببرد. جمعیت زیادی زن بخت برگشته را دوره کرده بودند و کاهن معبد نیز با غرور و خونسردی روی سنگ بزرگی کنار در معبد نشسته و شاهد ماجرا بود.

شیوانا ملاحظه نمود که زن به شدت دخترش را دوست دارد و چندین بار او را در آغوش می گیرد و می بوسد. اما در عین حال می خواهد کودکش را بکشد. تا بت اعظم معبد او را ببخشد و برکت و فراوانی را به زندگی او ارزانی دارد.

شیوانا از زن پرسید که چرا دخترش را قربانی می کند. زن پاسخ داد که کاهن معبد گفته است که باید عزیزترین پاره وجود خود را قربانی کند، تا بت اعظم او را ببخشد و به زندگی اش برکت جاودانه ارزانی دارد.

شیوانا تبسمی کرد و گفت : " اما این دختر که عزیزترین بخش وجود تو نیست. چون تصمیم به هلاکش گرفته ای. عزیزترین بخش زندگی تو همین کاهن معبد است که به خاطر حرف او تصمیم گرفته ای دختر نازنین ات را بکشی. بت اعظم که احمق نیست. او به تو گفته است که باید عزیزترین بخش زندگی ات را از بین ببری و اگر تو اشتباهی به جای کاهن دخترت را قربانی کنی . هیچ اتفاقی نمی افتد و شاید به خاطر سرپیچی از دستور بت اعظم بلا و بدبختی هم گریبانانت را بگیرد ! "

زن لختی مکث کرد. دست و پای دخترک را باز کرد. او را در آغوش گرفت و آنگاه در حالی که چاقو را محکم در دست گرفته بود، به سمت پله سنگی معبد دوید. اما هیچ اثری از کاهن معبد نبود! می گویند از آن روز به بعد دیگر کسی کاهن معبد را در آن اطراف ندید!!

" هیچ چیز ویرانگرتر از این نیست که متوجه شویم کسی که به او اعتماد داشته ایم عمری فریبمان داده است ..."